تاریخ امروز

سقوط بارسلونا

۲۶ ژانویه ۱۹۳۹: بندر بارسلونا پایتخت جمهوری اسپانیا با حمله ارتش ملی‌گرای ژنرال فرانسیسکو فرانکو سقوط کرد. در سال ۱۹۳۱ و پس از فرمان آلفونسو، پادشاه اسپانیا به برگزاری انتخابات برای تعیین نوع حکومت این کشور، رای‌دهندگان اسپانیایی به‌طور گسترده با ادامه حکومت پادشاهی مخالفت کردند و خواستار تاسیس جمهوری لیبرال اسپانیا شدند. در پی این رای‌گیری، پادشاه اسپانیا به تبعید رفت اما با گذشت پنج سال درگیری در کشور شدت گرفت و جنگ داخلی آغاز شد. ژنرال فرانکوی راست‌گرا در میانه این درگیری‌ها با استفاده از نیروی نظامی اعتراض‌ها را سرکوب کرد و به رهبری مشابه هیتلر و موسولینی در آلمان و ایتالیا تبدیل شد.

نگاه

THE NATIONAL INTEREST

روسیه به جهان چگونه می‌نگرد

ولادیمیر لاکین
سفیر پیشین روسیه در آمریکا

ترجمه: ساناز نفیسی | اخیرا بحث‌های عمومی و سیاسی روس‌ها حول محور دو موضوع است؛ روس‌ها به‌شدت در تلاشند تا در گذشته، حال یا آینده‌شان ویژگی متعالی بیابند. خودشان را در هر زمینه و دوره‌ای منحصربه‌فرد می‌دانند، خواه زمانی که روسیه مستقل شد و خواه زمانی که تغییرات ساختاری چشمگیر قرون بیست و بیست‌ویکم اعمال شد. در یک کلام آنها می‌گویند روس‌ها اصولا متفاوت از بقیه جهانند و از همه برترند. چنین درکی از خود، ستون فقرات ایده ملی‌گرایانه روس‌ها را شکل می‌دهد؛ ایده‌ای که روس‌ها با پشتکار هرچه تمام‌تر در جست‌وجوی آنند، اما چیزی نمی‌یابند. حقیقت این است که اصولا هر ملتی خود را از دیگر ملل متمایز می‌داند، اما حس ملی‌گرایی روس‌ها کاملا افراطی شده است. روس‌ها در کنار ایده ملی‌گرایی افراطی، مفاهیم جهانی‌سازی تک‌بعدی را نیز تجربه کردند؛ مفاهیمی که با آنچه در مسیر حقیقی وجود دارد کاملا متفاوت بود. چنین ایده‌ها و مفاهیمی توده‌ها را به جریان دهشتناکی تبدیل کرده، جریانی که در مسیرش همه‌چیز را تخریب می‌کند. به باور من، ملی‌گرایی افراطی تهدیدی جدی علیه مفهوم توسعه پایدار است. هر کشور و ملتی باید قادر باشد میان سه مفهوم حاکمیت ملی، هویت ملی و اصل مسئولیت جهانی توازن برقرار کند. اصل مسئولیت جهانی زمانی از قالب مفهوم صرف خارج شده و جنبه عملی می‌یابد که هر دولتی به جای تاکید صرف بر منافع ملی‌اش، به توازن جهانی نیز بیندیشد. «زندگی کن و اجازه زندگی بده» نمونه‌ای از اصل مسئولیت جهانی است. این عبارت اولین‌بار توسط ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهوری آمریکا بین سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۶۰ مطرح شد، کسی که در حوزه سیاست خارجی موفق عمل کرد و توانست بر تنش‌های موجود فائق آید. متاسفانه طی دو دهه اخیر این دو اصل فراموش شده است. در حال حاضر آمریکایی‌ها رسالتی برای خودشان تعریف کرده‌اند؛ برقراری اصل دموکراسی در سایر کشورها، البته مراد از دموکراسی زندگی به شیوه‌ای است که آمریکایی‌ها می‌خواهند. نکته قابل تامل این است که هرازگاهی درک آمریکایی‌ها از دموکراسی متفاوت می‌شود، به‌عنوان نمونه در یک برهه زمانی آمریکایی‌ها از اصل آزادی مهاجرت حمایت می‌کردند و حالا دیواری قطور در مرزشان با مکزیک ایجاد کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت آمریکا به اصل مسئولیت جهانی پایبند نیست، اصلی که خودش ابداع‌کننده‌اش بود. به صورت کلی دو اصل، ما هرچه فکر می‌کنیم درست است و جهان بر مبنای اصول مورد اعتقاد ما دموکرات است، مغایر با مفهوم مسئولیت جهانی است. باید نرم‌ها و هنجارهای جهانی را بر مبنای اصل انسانیت و فارغ از منافع ملی تک‌تک کشورها طراحی کنیم، این‌گونه است که هنجارهای ایجادشده براساس منافع ملی یک کشور به‌خصوص یا بر مبنای احساسات ناسیونالیسی کشوری دیگر فرق نخواهد کرد. حالا روسیه در تلاش است پا جای ایالات متحده آمریکا گذاشته و اصول و ایدئولوژی مورد اعتقاد خویش را در سایر کشورها پیاده کند؛ کشورهایی که رویای امپراتوری را در سر می‌پرورانند درگیر این توهم می‌شوند.

به‌عنوان نمونه به جهان‌بینی فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها در قرون نوزدهم و بیستم نگاهی بیندازید، اتحاد جماهیر شوروی اواخر سال ۱۹۸۰ و اوایل سال ۱۹۹۰، ایده سیاسی جدیدی را مطرح کرد؛ ایده‌ای زیبا، فراگیر و تا حدودی اعتقادی که توسط گورباچف، آخرین رئیس‌جمهوری شوروی مطرح شد. اما متاسفانه طرح گورباچف از واقعیت جدا شد و به افسانه‌ها پیوست. پس از آن آمریکا و سایر شرکایش تلاش کردند طرح گورباچف را برمبنای علایق و منافع‌شان محقق کنند، آنها مدعی بودند به دنبال یافتن راهی برای حل معضلات جهانی‌اند، اما صرفا به منافع‌شان می‌اندیشیدند. با شکل‌گیری ناتو، قدرت جهانی درگیر جزر و مد شدیدی شد و همین امر احساسات ضدغربی در روسیه را برانگیخت و حس ناسیونالیسم حاکم بر این کشور را تشدید کرد. روسیه آن زمان در لاک خویش فرو رفت تا برای منافع بلندمدتش استراتژی منحصربه‌فردی طراحی کند. جزر و مد قدرت جهانی هرازگاهی ایجاد شده و باز فرو می‌نشیند، با این حال نخبگان روس منافع ملی‌شان را بر اصول جهانی ترجیح می‌دهند. آنها می‌توانند به‌راحتی منافع ملی‌شان را به پیش برده و همزمان به اصل مسئولیت جهانی نیز احترام بگذارند. من در این زمینه خوش‌بینم، تصور می‌کنم رهبران روس اگر اشتباهات گذشته‌شان را اصلاح کنند و بر توهمات ملی‌گرایانه افراطی‌شان فائق شوند، خواهند توانست رویکرد مثبتی را در پیش بگیرند. یک روز سیاستمدار ژاپنی به من گفت ژاپن از میان یک فاجعه‌بار دیگر به‌پا خاست، فاجعه‌ای که محصول دو چیز متفاوت بود؛ رویا و استراتژی، اما توانست از گذشته‌اش درس گرفته و بر مشکلات فائق آید. به قول نویسنده روس، اجازه دهیم دیگران از اشتباهات‌مان درس بگیرند.

> هر کشور و ملتی باید قادر باشد میان سه مفهوم حاکمیت ملی، هویت ملی و اصل مسئولیت جهانی توازن برقرار کند. اصل مسئولیت جهانی از قالب مفهوم صرف خارج شده و جنبه عملی می‌یابد که هر دولتی به جای تاکید صرف بر منافع ملی‌اش، به توازن جهانی نیز بیندیشد

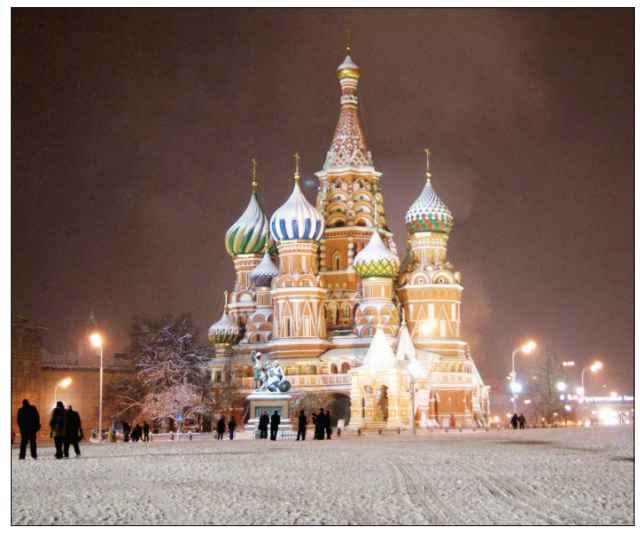

آمریکا ارتش افغانستان را بازسازی می‌کند
صلح در کما

آرش فرحزاد
a.farahzad@FDN.IR

ماه‌ها نبرد ارتش افغانستان با طالبان در هلمند، وسیع‌ترین ولایت این کشور، نتوانسته ورق را به سود دولت بازگرداند و این ولایت استراتژیک در جنوب افغانستان که بیشترین مرز را با پاکستان دارد، همچنان در کنترل شبه‌نظامیان طالبان است. ادامه این وضعیت که به مرور توازن را به سود طالبان سنگین کرده برای ناتو و مشخصا آمریکا قابل پذیرش نیست؛ اما از واشنگتن هم نمی‌خواهد مستقیما وارد میدان نبرد در هلمند شود. دیگر گزینه پیش روی آمریکا تقویت ارتش افغانستان است که به گفته ویلسون شافنر، یکی از فرماندهان ارشد آمریکایی و معاون فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان، این اقدام در حال عملی‌شدن است. در همین راستا و به دلیل وجود بی‌کفایتی، عدم تاثیرگذاری و فساد تغییرات گسترده‌ای در سطح فرماندهان نظامی افغان مستقر در هلمند در حال انجام است. ولایت ۱/۵ میلیون نفری هلمند در جنوب افغانستان از چند جهت هم برای دولت افغانستان و هم برای طالبان حائز اهمیت است. این ولایت میان ۳۴ ولایت افغانستان بیشترین مرز را با پاکستان دارد و به گفته مقام‌های اسلام‌آباد، بیشترین حجم حملات و نقل و انتقال نیروهای طالبان میان دو کشور از طریق همین ولایت صورت می‌گیرد. از طرف دیگر براساس آمار سازمان‌ملل، حدود ۶۰ درصد مواد مخدر افغانستان در هلمند تولید می‌شود و طالبان حاضر به از دست دادن این منبع درآمد هنگفت نیست. امنیت این ولایت برعهده نیروهای انگلیسی است و هشت هزار سرباز انگلیسی در این ولایت حضور دارند، اما واکنشی به کشت خشخاش نشان نمی‌دهند. همزمان با بازسازی و تقویت ارتش افغانستان، نشست‌هایی با مشارکت آمریکا، چین، پاکستان و تعدادی از نمایندگان جامعه مدنی و پارلمان افغانستان برای یافتن راه‌حلی به‌منظور پیشبرد روند صلح برگزار شده است. طالبان از زمان اعلام مرگ ملاعمر در تابستان امسال و به دلیل تنش میان رهبران این گروه برای انتخاب رهبر جدید، مذاکرات صلح با دولت افغانستان را معلق کرده است. در همین حال ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان که در این نشست غیررسمی در قطر حضور یافته بود، شروطی را برای شرکت در مذاکرات صلح اعلام کرد. آزادشدن زندانیان‌شان و حذف نام اعضایشان از فهرست‌های تروریستی آمریکا و سازمان‌ملل ازجمله مهم‌ترین خواسته‌های طالبان است. مجاهد گفت: «ما همچنین می‌خواهیم بتوانیم دفتر سیاسی خود را در دوحه بازگشایی کنیم.» شورای عالی صلح افغانستان که از سوی دولت این کشور مذاکرات با طالبان را انجام می‌دهد، این گروه را به ازسرگیری گفت‌وگوها بدون پیش‌شرط فرا خوانده و امین‌الدین مظفری، نماینده این شورا گفته است: «هر پیش‌شرطی می‌تواند موجب به تعویق افتادن روند آشتی شود. طالبان باید پیش از اینکه مطالبات خود را مطرح کند، به پای میز مذاکره برگردد.» طالبان در ماه ژوئن سال ۲۰۱۳ دفتر سیاسی خود در امارات متحده عربی را افتتاح کرد. قرار بود این امر مذاکرات صلح را تسهیل کند، اما پیام غیررسمی دفتر سیاسی طالبان این بود که این گروه اسلام‌گرای افراطی، دولت افغانستان در تبعید را نمایندگی می‌کند. در نتیجه حامد کرزی، رئیس‌جمهوری وقت افغانستان خشمگین از این موضع‌گیری با اعمال فشار خود باعث بسته شدن این دفتر شد.

> هر پیش‌شرطی می‌تواند موجب تعویق روند آشتی شود. طالبان باید پیش از اینکه مطالبات خود را مطرح کند، به پای میز مذاکره برگردد

به روایت تصویر

مهاجران
پنجه در پنجه زمستان

فرهیختگان | کاهش شدید دما در اروپا شرایط زندگی پناهجویان در این قاره را دشوار کرده است. اغلب این پناهجویان سوری و تعداد کمی نیز اهل افغانستان و عراق هستند. با گذشت سه هفته از ماه ژانویه، تقریبا ۱۰۰هزار پناهجو و مهاجر از طریق دریا یا زمین وارد اروپا شده‌اند. این میزان ۱۰ برابر تعداد مهاجران در مدت مشابه در سال گذشته است. آمار مهاجران غرق‌شده در دریای مدیترانه در همین مدت نیز ۲۵۰ نفر را رد کرده است.

خاورمیانه

اتهام اردوغان به استادان دانشگاه

فرهیختگان | بار دیگر رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه استادان دانشگاه را هدف انتقادهایش قرار داد. این بار وی آنها را بازیگران تروریسم آکادمیک قلمداد کرد. به گزارش خبرگزاری «رویترز»، اخیرا تعدادی از استادان دانشگاه طوماری امضا کرده‌اند و طی آن از رئیس‌جمهوری ترکیه خواسته‌اند به کشتارها در جنوب شرقی ترکیه پایان دهد، اقدامی که بار دیگر واکنش تند اردوغان را به دنبال داشت. رئیس‌جمهوری ترکیه روز یکشنبه در سخنرانی خود با اعضای اتاق بازرگانی قیصری، استادان دانشگاه را مخاطب قرار داد و گفت: «آیا حقیقتا شما به دانشجویان درس می‌دهید؟ چگونه می‌توانید در کنار انسان‌هایی بایستید که شروراته بمب در مدرسه‌ای می‌اندازند که کودکان‌مان به آنجا می‌روند؟ چگونه روی این زمین خاکی می‌توانید خود را استاد دانشگاه بنامید؟» اتهام جدید اردوغان به استادان دانشگاه در حالی مطرح شد که پیش از این وی از استادهایی که از پ.ک.ک حمایت کرده بودند تحت عنوان خائن و حامیان تروریسم یاد کرده بود. در آن زمان اردوغان ۱۱۲۸ استاد دانشگاه را که طوماری امضا و در آن از منع رفت‌وآمد شبانه و عملیات‌های ارتش ترکیه در مناطق جنوب شرق این کشور انتقاد کرده بودند، خائن خواند.

آسیا

احضار نخست‌وزیر سابق بنگلادش به دادگاه

فرهیختگان | دادگاه عالی بنگلادش، خالده ضیا نخست‌وزیر سابق بنگلادش و رهبر حزب اپوزیسیون این کشور را به اتهام فتنه‌انگیزی فراخوانده است. بر همین اساس «بیگم خالده ضیا»، نخست‌وزیر سابق بنگلادش و رهبر حزب ناسیونالیسم بنگلادش قرار است سوم مارس در دادگاه حاضر شود. در پرونده ضیا آمده است، اظهارات یک ماه گذشته وی درباره جنگ استقلال ۱۹۷۲ موجب آشوب شده است. این در حالی است که بنگلادش سال‌هاست اختلاف و درگیری بین حامیان خالده ضیا و شیخ‌حسینه ایجاد کرده است. تاکنون گزارشی از احتمال موفقیت دادستان در این پرونده منتشر نشده است. خالده ضیا در اظهارات اخیر خود اعلام کرده بود تعداد کشته‌شدگان جنگ ۱۹۷۱ همچنان محل اختلاف و نزاع است. در همین حال دبیرکل فعلی حزب ناسیونالیسم بنگلادش وجود انگیزه سیاسی در این پرونده را محکوم می‌کند و می‌گوید: «این پرونده چیزی غیر از یک شوخی و تمسخر نبوده و هدف آن دور کردن خالده ضیا از عرصه سیاست است.» پاکستان شرقی در سال ۱۹۷۱ از پاکستان جدا شد و به بنگلادش تغییر نام داد. در جریان این استقلال که به جنگی بین هند و پاکستان منجر شد، حدود سه میلیون تن کشته شدند.

کیوسک

رویای جمهوری‌خواهی استرالیا

رهبران و فرمانداران هفت ایالت از هشت ایالت استرالیا خواهان تشکیل جمهوری در کشورشان شده‌اند. کمپین استقلال‌طلبی که اخیرا در استرالیا به راه افتاده، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های بریتانیایی داشته و روزنامه «دیلی تلگراف» هم با انتخاب تیتر «ایالات متحده استرالیا» به مشابهت این استقلال‌طلبی با استقلال ایالات متحده آمریکا از بریتانیا اشاره کرده است. سران این هفت ایالت در نامه‌ای ضمن درخواست تشکیل جمهوری در کشورشان تاکید کرده‌اند برای خروج از حاکمیت نظام سلطنتی انگلیس نباید منتظر مرگ الیزابت دوم، ملکه این کشور بمانند. در آستانه جشن ملی استرالیا که همزمان با سالگرد ورود ناوگان دریایی انگلیس به سیدنی در سال ۱۷۸۸ و اعلام حاکمیت انگلیس بر استرالیا برگزار می‌شود، سران هفت منطقه و ایالت استرالیا با امضای نامه‌ای خواستار آن شدند که استرالیا از حاکمیت نظام پادشاهی انگلیس خارج شود و نظام جمهوری در این کشور تاسیس شود. کالین بارنت، نخست‌وزیر ایالت استرالیای غربی، تنها مسئول ایالتی یا منطقه‌ای استرالیا بود که این نامه را امضا نکرد، اما ضمن تاکید بر حمایت خود از تاسیس نظام جمهوری در استرالیا اعلام کرد شرایط مناسب برای این کار هنوز در کشور فراهم نشده است. مسئولان ایالتی و منطقه‌ای استرالیا این نامه را در چارچوب پویش گسترده‌ای که «جنبش جمهوری استرالیا» آغاز کرده است، امضا کرده‌اند. در همین حال مالکوم ترنبال، نخست‌وزیر استرالیا که خود از برجسته‌ترین فعالان جمهوری‌خواه در این کشور است، اعلام کرد «تعهد به استرالیا برای داشتن یک رئیس دولت استرالیایی بی‌عیب و نقص است.» اما معتقد است که تا پایان دوران سلطنت ملکه الیزابت نباید چنین چیزی رخ دهد و این امر باید به بعد از مرگ ملکه موکول شود. پیتر فیتز سایمونز، رئیس پویش جنبش جمهوری در استرالیا، در برنامه‌ای در تلویزیون سراسری این کشور اعلام کرد تمام مسئولان سیاسی استرالیا از اصل نظام جمهوری در کشور حمایت می‌کنند. او افزود: «هرگز در گذشته مسئولان سیاسی استرالیا برای گشودن یک فصل جدید در حیات سیاسی کشور تا این اندازه هماهنگ و هم‌عقیده نبوده‌اند.» این در حالی است که ترنبال اعلام کرد ایجاد تغییر رژیم سیاسی در کشور در حال حاضر یک اولویت فوری محسوب نمی‌شود. او در گذشته اعلام کرده بود برای برگزاری همه‌پرسی جدید در استرالیا باید منتظر روی کار آمدن یک حاکم جدید در انگلیس باشیم. اما جی ویتریل، نخست‌وزیر ایالت استرالیای جنوبی اعلام کرد رعایت احترام ملکه الیزابت به معنای آن است که اجازه دهیم خود ملکه تغییر نظام سیاسی در استرالیا را رهبری کند. به‌رغم اینکه قدرت ملکه انگلیس در استرالیا اساسا جنبه تشریفاتی دارد و ملکه انگلیس نیز در استرالیا طرفداران زیادی دارد، نظام سلطنتی از نظر برخی شهروندان استرالیا نوعی ناهمزمانی است و با مقتضیات و ارزش‌های زمانی و مکانی کاملا مغایرت دارد. طوماری که روی وب‌سایت change.org قرار گرفته و تبدیل استرالیا به جمهوری را خواستار شده، از روز جمعه تاکنون بیش از سه هزار و ۵۰۰امضا جمع‌آوری کرده است. در انتخابات ماه سپتامبر استرالیا، نخست‌وزیر این کشور متعهد شد که تبدیل شدن استرالیا به جمهوری در دستور کار کابینه وی قرار نداشته باشد.